

❖ دیدگاه‌های فمینیستی و انتظارات زنان ایران

□ دکتر بهرام نوازانی □

مقدمه

ارائه یک تعریف جامع و مانع از فمینیسم دشوار است چرا که این نگرش هیچگاه سازمان نیافته و در گذشته بارها دستخوش تغییر و تحول شده است. علاوه بر این، دیدگاه‌های متفاوت و مکاتبه فکری مختلفی نیز در این باره رخ نموده‌اند که جمع کردن و نتیجه‌گیری از فمینیسم را ناممکن ساخته است. اما با وجود تنوع و تعدد دیدگاه‌های فمینیستی، فمینیسم هر یک زمینه اشتراک نظر کلی دارد و آن این باور است که قبل از توانمندسازی زنان، باید در میان زنان و مردان به طور نابرابر تقسیم شده و این نابرابری موجب شده تا مردان، اختیار و حتی سرنوشت زنان را در دست گیرند و اگر حقوقی هم برای آنان در نظر گرفته‌اند بر برداشت‌های مردانه استوار شده است. باربارا آرتیلو در یک تعریف مقدماتی از

فمینیسم معتقد است فمینیسم یعنی «شناخت این نکته که زنان و مردان در زمان‌های گذشته و در مکان‌های مختلف از قدرت نابرابری هم در خانواده و هم در اجتماع بزرگ‌تر برخوردار بوده‌اند که باید این وضعیت در جهت برابری زنان یا مردان تغییر کند»^{۱۱} این دیدگاه‌های فمینیستی در پی آنست که زنان جهان را ترغیب کند تا به طور سازمان یافته و از طریق نهادهای بین‌المللی، «جنسی» را به راه اندازند که در نهایت موجب «قدرتمندی زنان و ارتقاء جایگاه زنان در برابر موضع مسلط مردان» گردد و همه برداشت‌های مردانه و حقوقی را که از آن ناشی شده است مورد تجدید نظر قرار دهد و برابری جنسی را در جوامع و فرهنگ‌های مختلف تحقق بخشد.^{۱۲}

فمینیست‌های غربی همواره کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی را به خاطر «زن ستیزی مذهبی» محکوم کرده‌اند و شاید به دلایل سیاست ضد آمریکایی دولت ایران بوده باشد که زنان ایرانی همواره در مرکز بحث‌های فمینیستی مربوط به زنان مسلمان بوده‌اند. به همین دلایل سیاسی است که سیاستمداران و رسانه‌های غربی زنان ایرانی را همچون زنان مسلمان، به عنوان موجودات انفعالی و تابع معرفی می‌کنند که در زیر «تبعیض جنسی تحمیلی» حکومت اسلامی در شرایط دشواری قرار گرفته پوشش اجباری، جدایی جنسی در اماکن عمومی و محدودیت از مشاغل عالی سیاسی، نظامی و قضایی زندگی می‌کنند.

برخی از فمینیست‌ها با فعالان جنبش زنان در حمایت از زنان ایرانی خواستار انسجام همه زنان و التزام به آزادی همگانی هستند. آنها از بین‌المللی شدن روزافزون موضوع فمینیسم که بتولید دیدگاه‌های جدیدی را برای اتحاد زنان در سراسر جهان فراهم کند، جانبداری می‌کنند. درحالی که برخی دیگر طرفدار دیدگاه‌های نظری همچون نسیت‌گرایی فرهنگی، سیاست هویت

و فرامردن گرایان هستند و با تأکید بر وجود تفاوت‌ها، بر یکتایی، منحصر به فرد بودن و محل گزایی افراد، فرهنگ‌ها، ملت‌ها و هویت‌ها را می‌کنند. ایده‌هایی همچون یگانگی، اتحاد و بین‌المللی‌گرایی از نظر این عده سرود است و راه‌حل‌هایی که برای آزادی زنان ارائه می‌کنند بسته به جغرافیای و مناطق مختلف، متعدد و گوناگون است.^{۱۳۱} برای مثال کریس کورین بر «کثرت‌گرایی فمینیسم» تأکید می‌کند و معتقد است که هیچ فمینیسم یگانه‌ای وجود ندارد بلکه دیدگاه‌های فمینیستی متعددی هست که هدفشان ایجاد وحدت طریق برای تفکر و اقدام در جهت تغییر اجتماعی می‌باشد.^{۱۳۲} در همین جهت هم تیرو توحیدی که به بررسی تجربه پانزده ساله زندگی زنان در ایران اسلامی پرداخته است چنین نتیجه‌گیری می‌کند که یک «مدل اسلامی از زنیت» در ایران شکل گرفته است. وی در ادامه می‌نویسد:

«مدل زن اسلامی» در ایران دارای ویژگی‌های جدیدی است که آن را از شکلی که روحانیون مسلمان در مراحل نخستین انقلاب مورد تشویق قرار می‌دادند، متفاوت و حتی برخی موارد متضادشان می‌دهد. در میان زنان مسلمان (نخبه و غیرنخبه) که در عرصه اجتماعی و سیاسی فعالیت دارند، یک آگاهی تازه و تمایل اصلاح طلبانه به آوازی در حال شکل‌گیری است که برخی از آن به عنوان «فمینیسم اسلامی» یاد کرده‌اند. این گرایش، به طور کلی نخبه‌اندازهای توتنی را برای زنان ایرانی و به طور خاص کوشش‌های جدیدی را برای فمینیست‌های سکولار می‌گشاید. این گرایش می‌تواند ایجاد، برداشت و تعریف هویت زنان را برای نسل جوان تر زنان و مردان ایرانی تغییر دهد.^{۱۳۳}

در مقابل، پژوهشگران مسلمان در منطقه خاورمیانه زنان را قربانیان استعمار، تهاجم فرهنگی، استبداد سیاسی، پندرسالاری و بیداد طبقاتی معرفی می‌کنند؛ این قبیل مطالعات ممکن است تحت تأثیر انگیزه‌ها و تعصبات

ایدئولوژیکی، سیاسی و ملی‌گرایانه نیز قرار داشته باشند که در نتیجه این روش‌های مطالعه جنس‌مدارانه و فرضیه‌های نادرست، فعالیت‌های زنان در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی نادیده و یا کوچک شمرده شده است. حتی برخی از مطالعات جنس‌مدارانه درباره اسلام‌گرایان در ایران منجر به طرح نظریه «تمرکز قدرت و اقتدارگرایان» این جنبشی شده است:

پانوجه به تغییرات و مقاومتی که در برابر جنبش‌های زنان می‌شود می‌توان گفت تصمیم‌گیری برای پیوستن به این گونه جنبش‌ها ناشی از هر دو تعادل «سنت‌گریزی» و «آزادی‌گریزی» می‌باشد. زنانی که به جنبش‌های اسلامی راست‌گرایانه می‌پیوندند به حقوقی دست می‌یابند که جامعه سستی پدرسالار از آنها دریغ می‌کند؛ ولی این مزایا به زبان هنگفتی برای دیگران به ویژه طرفداران سکولار حقوق زنان که در زیر نظام دینی اسلامی ایران شرایط سختی را تحمل می‌کنند، تمام می‌شود.

این فرضیه‌ها که بر دیدگاه «تجربه» یا «عورت» زنان در ایران اسلامی متکی می‌باشند یک نحوه تفکر فسیلی‌گرایانه است که برای فرهنگ‌ها و سنت‌های متفاوت احترام قائل است و نه تنها «کثرت‌گرایی» زنان ایرانی را مردود می‌داند بلکه در میان زنان جهان، یک شکاف بزرگی را بر مبنای مذهب، قومیت، ملیت، فرهنگ، محل جغرافیایی و دیگر ویژگی‌های مشخص فرد آنان ایجاد می‌کند.

این مطالعه با شناسایی سه جریان متممده اصول‌گرایان، اصلاح‌طلبان و سکولار در میان زنان ایرانی درصده است تا جایگاه زنان را در این جریانات مطالعه کند و نشان دهد که هر یک از این جریان‌ها چگونه بوجود آمده‌اند، تکامل یافته و بر وضعیت زنان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تأثیر گذاشته‌اند. به این ترتیب امیدوارم بتوانم یک رویکرد انتقادی، تاریخی و بین‌رشته‌ای ارائه کرده باشم که بر سوء برداشت‌ها و کلی‌گویی‌هایی که در

مطالعات کنونی فمینیستی درباره زنان ایران وجود دارد فائق آید. البته این مقاله درصدد تست یافته خود را بر همه جوامع اسلامی و غیراسلامی داخل و خارج از ایران کلیت بخشد بلکه معتقد است برای درک فمینیسم اسلامی ایرانی و تمایلات آن، نیازمند یک مطالعه کامل از ویژگی تاریخی ایران می‌باشیم. نکته مهم این است که برای درک نقطه اشتراک زنان جهان باید یک عدسی بزرگی را فراهم کرد تا بتواند نقاط تاریخی، سیاسی و انسان‌شناختی را کشف و تسویه تجارب زنان را که از تفاوت‌های میان سن، طبقه، ثروت، شغل، توانایی، قومیت، آمادگی جنسی، مذهب و امثال آن ناشی می‌شود، تجزیه و تحلیل کند. با اتخاذ یک دیدگاه واحدی متفاوت سعی کرده‌ام مطالعه خود را به زنان سرشناس و صاحب‌مقامی که خواسته یا ناخواسته تن به شرایط انقلاب اسلامی داده‌اند، محدود نکنم بلکه به طور دوستانه و گاه‌اخصوصی، زندگی زنان معمولی را از مدارج دکتری تا کم‌مسواکه‌ای تا قسری تا قسری تا متاهل تا مجرد، مورد پیمایش و کنکاش قرار دهم و به همین منظور پیش‌نامه‌ای تهیه و پس از چندین بار آزمون و اصلاح، در میان ۶۱۵ نفر از پیش‌از ۳۰ شهر کشور مخصوصاً دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه و پژوهشگونی که در دو حمایت محلی و ملی شرکت کرده بودند، توزیع کردم. البته ادعا نمی‌کنم که با این کار توانسته‌ام الگوی ثابتی از زنان ایرانی ارائه کرده باشم چرا که زنان و تمایلات آنان پیچیده‌تر از آن است که بتواند در یک مدل واحد قرار گیرم (این معنضم با وجود تفاوت‌های جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی تمایلات واقعی سیاسی آنان شاید بتوان، با گسترش و اصلاح این پیمایش استقرایی شبه الگویی در این زمینه ارائه کرد.

گرایش‌های زنان

گفت‌وگوهای جدید نوگرایی که به ارتباط سکولاریسم و جامعه ایرانی من‌برداره شاهد سه مرحله قابل تفکیک از یکدیگر بوده است: قانون اساسی خواستی

۱۹۲۰-۱۹۲۵ (انقلاب مشروطه تا به قدرت رسیدن رضاشاه)، ایجاد دولت ملی ۱۹۲۰-۱۹۲۵ (دوره حکومت رضاشاه) و ملی‌گرایان ۱۹۲۰-۱۹۴۰ که در مجموع سبب شد تا زنان ایرانی به ایده‌هایی همچون دموکراسی، سوسیالیسم، آزادی و رشد تکنولوژیکی آشنا گردند. درحالی که بیشتر روشنفکران سکولار، آغوش خود را به روی برخی از ایده‌ها گشودند، بیشتر رهبران مذهبی و افراد سستی با آن به مخالفت پرداختند، نتیجه این بحث و جدل‌ها سازش و آمیزش بود که در قانون اساسی مشروطیت صورت گرفت و نقطه عطفی برای مشارکت زنان در سیاست عمومی کشور شد. ایده‌های جدیدی از این پس رواج یافت، فرصت‌هایی برای مشارکت سیاسی ایجاد شد و زمینه برای توسعه جنبش زنان در ایران فراهم گردید. با این حال مشارکت زنان در این جنبش و حمایت از آن متفاوت بود و به همین ترتیب دستاوردهای آن نیز مختلف و مختلط گردید.

رضاشاه که در پی ایجاد یک حکومت ملی نو، قوی و متمرکز بود برای اولین بار در کشور، سکولاریسم، نوگرایی و آزادی زنان را بنیان‌گذار و حکومت‌وی نقش فعالی را در تغییر وضعیت زنان به عهده گرفت. هر دو شاه پهلوی با توصیف زنان به عنوان نشانه تمام‌عیار نوگرایی و توسعه، آنان را در روند ملی‌گرایی و توسعه ملی خود مورد توجه قرار دادند. اما این بار هم نتیجه، جز تلفیق و اختلاط چیزی نبود چرا که فعالیت‌های انقلابی زنان ممنوع گشت، خانواده پدرسالار محفوظ شمرده شد و زنان را به طرز جدی از جدایی ناپذیر از زندگی اجتماعی تحت حاکمیت قوانین شریعت و نفوذ روحانیون قرار گرفتند. کشف حجاب زنان اجباری شد، قضا و قضاوت سکولار شد و برای مشارکت زنان در آموزش و برخی مشاغل گزینش شده، تشویقاتی صورت گرفت. این شیوه نوگرایی چندان نباید چراکه در دهه ۱۹۵۰ از سوی هر دو گروه ملی‌گرای مذهبی و سکولار مورد انتقاد و حمله قرار گرفت. در سال‌های نزدیک به پیروزی انقلاب اسلامی.

این حملات به اوج خود رسید و به گفتمان انقلاب و برقراری یک ساختار جدید اجتماعی و سیاسی انجامیده بود. هم‌تأیید می‌کند که «میلیون‌ها زن امیدوار بودند فرصتی را بدست آورند که مدت‌های مدید در پی آن بوده‌اند»^(۷)

پیروزی انقلاب اسلامی گرچه خط پایانی بر سلطه گفتمان سکولاریسم در کشور بود اما مرکز نوگرایی را به طور کامل مردود نکرد و هیچگاه در طلب بازگشت به سطح زندگی دوره نخستین اسلامی برنیامد. گفتمان اسلامی کردن امور، از همان اوان پیروزی انقلاب اسلامی هر سه عامل اسلام، نوگرایی و سنت‌های ایرانی را در برداشت و با وجودی که بیشتر پیشرفت‌های سکولار دوره پهلوی درباره زندگی زنان اندکی پس از پیروزی انقلاب برجیده شد اما تلاش‌های زنان فمینیست مسلمان در کنار تفاسیری که از شکل و شمایلی سیاسی یک حکومت در عصر جدید صورت گرفت سبب شد تا حکومت اسلامی مجدداً آنها را مورد شناسایی و تأیید قرار داده و آن را با مصلحت‌محورده‌سالاری دینی سازگار نماید.^(۸)

در پی تغییرات اقتصادی سریع که در دوره حکومت‌های شدیداً اقتدارگرا و سکولار صورت گرفت^(۹) و منجر به از دست رفتن هویت و دیگر عقب‌ماندگی‌های سیاسی و اجتماعی دوره فرا استعماری شد،^(۱۰) انقلاب اسلامی راه را برای ایجاد فضای سیاسی و فرهنگی جدیدی در کشور گشود که جای سکولاریسم را گرفت. زنانی که جلوه اسلام‌نگرایی محافظه‌کار و بی‌استگرا شهرت یافتند، در واقع همان اصولگرایان مذهبی بودند که مبارزه خستگی‌ناپذیری را با استبداد داخلی و امپریالیسم خارجی صورت داده بودند و هدفشان از این مبارزه، حفظ و تضمین اجرای قوانین اسلامی و اصول و ارزش‌های آن‌ها نه فقط در زندگی خصوصی بلکه در زندگی اجتماعی نیز بود. آنان برای این کار نیاز به یک قدرت سیاسی داشتند که با نام مذهب آن را به دست آورده بودند و از این

زمان است که در هر دو عرصه خصوصی و عمومی، مذهب را در وقتسعیت مسلط قرار دادند و به ترویج و گسترش آموزش‌های اسلامی درباره نقش زنان و مردان دو خانواده و اجتماع ملی کوشیدند و در مقابل کسانی که بنا بر این آموزش‌های مذهبی به مخالف برخاستند، مبارزه کردند.

به این ترتیب می‌توان اصولگرایی را یک جنبش مبارزه‌جو به شمار آورد که نوآوری‌های تکنولوژیکی غرب را با آغوش باز پذیرفته اما از بسیاری ابعاد اجتماعی و فرهنگی جامعه نوین به ویژه درباره خانواده سر باز زده است. اصولگرایان به خاطر ایمان راسخی که به مشیت الهی دارند و نسبت به آن التزام عملی نشان می‌دهند، معمولاً در مقابل مخالفان داخلی و خارجی، شکیبایی خود را از دست می‌دهند.^{۱۱۱} گرچه برخی همچون اسپاژیتو و ادوارد سعید استفاده، تبعیض‌آمیز از واژه اصولگرایی را مورد انتقاد قرار داده‌اند^{۱۱۲} اما با وجود تفاوت‌های اساسی منطقی‌های و سیاسی میان اصول‌گرایان، آنها خواستار بازگشت به معیارهای سنتی هر زمان هستند و بر نقش زایش، حفظ «حجاب برتر» (چادر) و تسلیم به ارزش‌های پدرسالاری تأکید می‌ورزند. از نظر اینان حجاب نه «تحفه آسمانی است که به نجات مسلمانانی که با بحران‌ها مواجه هستند بیاید» یا وسیله‌ای است برای «طبقه بندی کارگران» یا «بازگرداندن آنان به آشپزخانه، آنچنان که فریسی نوشته است»^{۱۱۳} و نه وسیله‌ای برای «صرفه‌جویی زنان جوان از هزینه‌های هنگفت خرید لباس‌های مد روز» آنچنان که احمد لیبلا معتقد است.^{۱۱۴} بلکه یک قطعه پارچه‌ای است که اندام زنان را در تحریک و آزار جنسی در خلوت و ملاء عام، در امان نگاه می‌دارد. حجاب به آنان درجه مشخصی از حفاظت فیزیکی می‌دهد به طوری که یک زن یا حجاب، هیچ‌گاه در جامعه مورد تعرض قرار نمی‌گیرد و در صورتی که چنین شود مورد حمایت شدید مردان دیگر قرار خواهد گرفت.

برخلاف ادعای برخی همچون افسانه نجم‌آبادی که معتقدند «تقریباً یک شبه کلماتی همچون مردسالاری و زن‌ستیزی در کوری و یوزن رواج یافت»^(۱۵) به نظر می‌رسد زنان اصولگرای ایرانی هیچ‌گاه عنصری منفعل و سر به زیر نبودند که به سادگی با اجبار تن به انقلاب اسلامی داده باشند. زنانی که در انقلاب اسلامی ذوب شدند، به خاطر تأکید انقلاب اسلامی بر خانواده و تقاضای آن از هر دو جنس مرده و زن برای اولویت دادن به تربیت فرزندان و به طور کلی روابط زناشویی بوده است. با وجودی که جریان نوگرایی و سکولار قبل انقلاب اسلامی آزادی اقتصادی و شخصی بیشتر و در نتیجه قدرت فراوان‌تری به زنان داده بود، اما زنان اصولگرای ایرانی از آن رویگردان شدند چرا که آزادی زنان موجب شده بود تا مردان هم وظایف عادی و مرسوم خود را در قبال خانواده رها کنند. هلم هارداکر درباره زنانی که وضعیت فکری نامناسب و تضمین نشده‌ای در بازار آزاد دارند و علاوه بر این، مسئولیت سرپرستی فرزندان و نگاهداری پیران را نیز به عهده دارند، می‌نویسد: «تضمین آگاهانه امکان چیزی جز استفاده از پیام اصولگرایان برای تضمین وفاداری شوهران و حمایت آنها و فرزندانشان نیست»^(۱۶). به این ترتیب است که برای مادران و زنان خانه‌دار و کارگری که خواهان مسئولیت‌پذیری بیشتر شوهران و مردان در خانواده هستند، بهترین راهکار چیزی جز بازگشت به ارزش‌های سنتی خانواده نبوده است.

دیوید کاندیبولی جامعه‌شناس (ابوالفتح محمد فرخ‌آشناس، اوگدا فریدل و ماری هیکلند انسان‌شناس و سیتیا آلو دانشمند سیاسی، جملگی در زمینه تخصص خود به این نتیجه رسیده‌اند که هرگونه تغییر در نقش‌های جنسیتی در جوامع در حال توسعه مخصوصاً تغییر در ساختار خانواده، آثار موقوتی را در جوامع خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی به دنبال خواهد داشت. به توجیه ایشان در نتیجه این تغییرات ممکن است علاوه بر افزایش به بازگشت به فرهنگ سنتی نو

و مطمئن‌تر پدرسالارانه گذشته در میان مردان و زنان بروز کند.^(۱۷) جانث آفاری که به مطالعه ایدئولوژی‌های جنسیتی در برخی جنبش‌های اصولگرا از جمله جنبش‌های اصولگرایی ایرانی پرداخته است چنین می‌نویسد:

در این گونه جنبش‌ها، روابط جنسیتی یک جنبه حاشیه‌ای نیست بلکه یک نقطه قوت اصولگرایان در ایجاد یک تصویر بازگشت به روابط سنتی و پدرسالارانه است که بتواند پاسخگویی مشکلات اقتصادی و اجتماعی عصر سرمایه‌داری در همه جوامع غربی و غیرغربی باشد.^(۱۸)

در واقع اصولگرایان معتقدند همین توجه به معنویت و اعتقادات مذهبی است که موجب احترام بسیار به نقش مادری و خواست نسل شده است و ضرورت آموزش برابر میان مردان و زنان، سبب نیل به نرخ توسعه انسانی روزافزونی که شامل بهداشت مولد، کنترل جمعیت و کاهش انواع خشونت علیه زنان می‌باشد، گردیده است. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، دولت تلاش بر وقفه‌ای را برای حفاظت از حقوق اصلی زنان و مقابله با حقوق‌ساختگی زنان در شکل غربی آن به اجرا گذاشته است. مخالفت با فساد و قحشاء جنسی و ارائه خدمات اجتماعی رایگان برای زنان از جمله معافیت از خدمت سربازی و چهار ماه مرخصی با حقوق قبل و بعد از زایمان، نمونه‌ای از این تلاش‌هاست.

صرف نظر از اجبار حجاب و اجازت زنان سگولاری به دلیل بدحجابی، پیشرفت‌های بسیاری در زمینه‌های کنترل زنی سقط جنین، حضانت کودکان شهیدای جنگ، قوانین آموزش، ازدواج و طلاق و کار از جمله قضاوت صورت گرفته است. این درست است که اختلاط زنان و مردان ایرانی در مدارس، اتوبوس‌های دولتی و سواحل دریا ممنوع است و برخی محدودیت‌های قانونی و عرفی همچنان برای اشتغال زنان در سعت‌های همچون رهبری و ریاست جمهوری وجود دارد و اجازه پدر و شوهر همچنان یک امر ضروری به شمار

می‌آید، اما نباید این واقعیت را نیز نادیده انگاشت که زنان ایرانی در طول تاریخ گذشته خود هیچگاه این چنین در عرصه اجتماعی و سیاسی کشور فعال نبوده‌اند و این چنین مراتب علمی و مدیریتی عالی و حتی مناصب سیاسی را به خود اختصاص نداده بودند. زنان بسیاری امروزه به دانشگاه‌ها راه یافته‌اند که پس از فراغت از تحصیل، خواهان اشتغال در مناصب دولتی هستند؛ در این مراکز انواع روابط اجتماعی برقرار می‌کنند و به جای ازدواج‌های اجباری و تیمه اجباری گذشته، همسر آینده خود را بر طبق معیارهای دلخواه خود برمی‌گزینند و حتی پس از ازدواج نیز مشاغل گذشته خود را حفظ می‌کنند. سازمان ملل متحد که همه ساله بر میزان توسعه انسانی اعضای خود نظارت می‌کند در سال ۲۰۰۴ میزان توسعه انسانی ایران را در میان ۱۷۷ دولت از اعضای خود در رتبه ۱۰۱ قرار داده و روند پیشرفت این توسعه را از سال ۱۹۷۵ همواره رو به بهبود گزارش کرده است که بخشی از آن در جدول شماره ۷ آمده است.

گزارش اخیر که خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منتشر کرده است نشان می‌دهد در حالی که میزان اشتغال زنان ایرانی از ۸۵/۰٪ در سال ۱۳۷۶ به ۵۵/۷۹٪ در سال ۱۳۸۲ کاهش یافته است؛ اما مشارکت اجتماعی و سیاسی آنان در نامزدی مجلس شورای اسلامی و همچنین تعداد نمایندگان به میزان ۵۳/۸۱٪ یعنی از ۶/۴۳٪ در سال ۱۳۷۶ به ۹/۸۹٪ در سال ۲۰۰۳ افزایش یافته است. بر طبق این گزارش مناصب معادل کل زنان هم از ۱/۹۹٪ به ۲/۱۱٪ و مناصب تخصصی از ۲۷/۱۶٪ به ۲۹/۴۲٪ ارتقاء یافته است که حاکی از افزایش به ترتیب ۶/۰۱٪ و ۹/۱۳٪ می‌باشد. تعداد دانشجویان دختر که هر ساله وارد دانشگاه می‌شوند رو به افزایش است به طوری که در سال ۱۳۸۲ بالغ بر ۷۶۲ کل دانشجویان ورودی را تشکیل داده‌اند.^(۱۹) میزان زنان عضو هیئت علمی دانشگاه نیز بر اساس اطلاعاتی که زهرا شجاعی مشاور رئیس جمهور در امور

زنان، ارائه کرده است به طور بی‌سابقه‌ای به ۱۷/۴٪ کل بالغ شده است که حاکی از رویکرد علمی زنان در دهه سوم انقلاب اسلامی است. دولت نیز به منظور برطرف کردن شکاف‌های موجود میان مردان و زنان و برطرف کردن نابرابری جنسیتی، اعتبارات مالی خود را در حمایت از زنان به میزان ۳۸۵ برابر گذشته افزایش داده است.^(۲۰) تعداد بسیاری از سازمان‌های زنان اعم از دولتی و تحت حمایت دولت و یا غیردولتی و دهها نشریه با رویکردهای مختلف سیاسی نشان‌دهنده فعالیت‌های رو به رشد زنان می‌باشد. افسانه نجم‌آبادی که خود یک قمینست سکولار است ضمن تمجید از «شکوفایی افسانه‌ای از آثار روشنفکری و فرهنگی زنان، نتیجه‌گیری می‌کند که «نه تنها زنان از زندگی اجتماعی محروم نشده‌اند بلکه در همه زمینه‌ها از جمله در خلق آثار هنری، دستاوردهای حرفه‌ای، نهادهای آموزشی و صنعتی، مشارکت سیاسی و حتی در فعالیت‌های ورزشی» حضوری فعال و روزافزون دارند»^(۲۱)



ژورنال علم‌انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

جریان دوم زنان ایرانی برای به چالش کشیدن اصولگرایان یک گفت‌وگو اصلاح‌طلبانه‌ای را از سال ۱۳۷۶ برگزیده‌اند. اصلاح‌طلبان زن و مرد، گفت‌وگو اصلاحی خود را بر مبنای اسلام شیعی استوار کرده‌اند و خواستار شکبایی، تنوع روابط جنسیتی برابر و دیدگاه‌های آزادیخواهانه‌تری درباره حقوق زنان شده‌اند. انتخاب مهد محمد خاتمی در خرداد ۱۳۷۶ و اکثریت نمایندگان مجلس ششم در سال ۱۳۷۸ از میان این گروه موجب شد تا قدرت زنان و جوانان برای پاری این جنبش در مقابل سیاست‌های سختگیرانه و خشک مقدسی اصولگرایان به منته ظهور برسد. از این زمان بود که فعالیت اصلاح‌طلبان برای افزایش حقوق مدنی زنان، رشد دموکراسی، پیشبرد آزادی‌های اساسی و تقویت بخش «جمهوریت» جمهوری اسلامی و حقوق بشری زنان، بیش از پیش شدت گرفت. در خرداد ۱۳۷۶ جریان سوم از گرایش‌های زنان ایرانی که عبارت از روشنفکری سکولار و فمینیستی بود نیز به صحنه سیاست راه یافت. این گروه که در ائتلاف با اصلاح‌طلبان به سر می‌برد خواستار اصلاح تقاسیم محافظه‌کارانه از اسلام شیعی و سازش آن با اصول دموکراسی بود. زنان سکولار که طرفدار جدایی دین از سیاست هستند با تعداد زوجات مخالفت می‌کنند، خواهان حق طلاق برای زنان و گرفتن حق حضانت کودکان برای زنان، تقسیم اموال زن و مرد به هنگام طلاق، آزادی‌های مدنی برای زنان و مردان، حقوق مدنی برابر از جمله مشارکت در خانواده و امکان‌های عمومی، پوشش، عشق و بهره‌مندی از زندگی می‌باشند. این قبیل دیدگاه‌ها و درخواست‌های فمینیستی را به راحتی می‌توان در سرمقاله‌های تعدادی از مجلات زنان که برگردان مقالات فمینیست‌های غربی است، مشاهده کرد.

هر دو جریان اصلاح‌طلبی و سکولاریسم با همان شدت و سرعتی که در سال ۱۳۷۶ ظاهر شد، به خاطر تضادی که در برخی از اهداف و برنامه‌های خود

نه فقط با اصولگرایان اسلامی بلکه با سنت‌ها و آداب و رسوم جامعه پدرسالار ایرانی داشت، در سال ۱۳۸۲ قافیه را باخت و قدرت قانونگذاری را بی‌ثباتی بار دیگر به دست اصولگرایان اسلامی سپرد. رویارویی شدید مرفان و زنان نه فقط اصولگرا بلکه جامعه بزرگ‌تر سنت‌گرایان و حتی مخالفی که اسلام‌گرایان نو^(۱۱) در درون خود این جریان اصلاح طلبی و سکولار نشان دادند، موجب شد که این دو جریان اخیر نتوانند به اهداف خود دست یابند و نتوانستند اصولگرایان را به پذیرش کنوانسیون بین‌المللی برابری حقوق زن و مرد ترغیب نمایند. حتی از این بدتر سرلوشی بود که برای زنان سکولار رقم خورده اینان از دو جریان اصلی اصولگرا و اصلاح طلب رانده شدند و صلاحیتشان برای نامزدی مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا نیز رد گردید.

انتظارات زنان ایرانی

به منظور بررسی وضعیت زنان ایرانی و شناختی که از وضع کنونی خود دارند و دریافت انتظارات آنان برای بهبود سطح زندگی و تأمین حقوق خود از جمله نابرابری موجود میان حقوق آنان با مردان، در سال ۱۳۸۳ پرسشنامه‌ای تهیه شد که پس از چندین بار آزمون و اصلاح در میان ۲۱۰ تن از زنان ۱۸ تا ۷۳ سال، دارای تحصیلات زیر دیپلم تا دکتری، متاهل تا متأهل و غیر شاغل، بالای خط فقر و زیر آن و ساکن در بخش اقیانوس شرق کشور به طور تلقیفی از گزینش و اتفاق توزیع گردید. اکثر (۸۱ درصد) پرسشی شوندگان دانشجوی بودند و تعدادی هم دانشمند و پژوهشگر که در همایش‌های علمی ملی و بین‌المللی شرکت کرده بودند. (به جدول ۲ نگاه کنید).

جدول ۲: وضعیت زنان ایرانی

		تعداد	درصد
	جمعیت زنان جمهوری اسلامی	۱۰	۶
	حزب مشارکت ایران اسلامی	۱۱	۷
	مجمع روحانیون مبارز	۲	۱
	نهضت آزادی ایران	۱۲	۸
	هیچکدام	۹۱	۵۴
تأثیر مشارکت سیاسی زنان	۱۰٪	۷۹	۴۰
	۵۰٪	۷۸	۳۹
	۹۰٪	۱۳	۷
	۱۰۰٪	۱۱	۵
	هیچ	۱۸	۹
سنگینتر بودن وظایف	زنان	۱۱۴	۵۷
	مرد	۷۴	۳۶
	تفاوت ندارد	۱۳	۷
موفقتر بودن	زنان	۸۲	۴۱
	مرد	۱۰۴	۵۳
	تفاوت ندارد	۱۲	۶
عوامل موفقیت	تعالی عن قوانین زنان	۲۹	۱۶
	عرف	۵۹	۳۲
	شرایط جسمانی	۸	۴
	شرایط روحی و روانی	۸۴	۴۵
	همه	۶	۳
حقوق مردان و زنان برابری است	بلی	۴۲	۲۰
	خیر	۱۶۵	۸۰

نتیجه این پیمایش حاکی از آن است که اکثریت (۹۱ درصد) زنان ایرانی تمایل به کار در خارج از خانه دارند و در این میان ۷۱ درصد آنان خواهان مشاغل دولتی هستند که با توجه به اینکه ۷۹ درصد آنان دارای مدرک کارشناسی یا در حین اخذ درجه کارشناسی هستند و ۷۱ درصد آنان نیز از درآمد خانوادگی متوسطی برخوردارند، بی شک به سمت‌هایی کمتر از مدیریت دولتی راضی نخواهند شد. از آنجا که این پیمایش در مکان‌های گزینش شده‌ای نظیر دانشگاه‌ها و همایش‌ها به صورت اتفاقی صورت گرفته است، به نظر می‌رسد گرایش‌های زنان ایرانی را بتوان از نوع پوشش آنان شناسایی کرد و در این پیمایش ۲۷ درصد پوشش شونده‌گان از حجاب برتر اصولگرایان یعنی چهار ۳۳ درصد از مانتو و مقنعه یا روسری (که نشانه زنان اصلاح طلب قرض شده است) و ۱۴ درصد هم از مانتو و روسری و نگارنگ که می‌تواند به عنوان نشانه‌ای برای زنان سکولار قرض شود، استفاده می‌کردند.

گرایش‌های فمینیستی در میزان هیچ یک از گروه‌های سه گانه اصولگرا، اصلاح طلب و سکولار به شکل غالب دیده نمی‌شود چرا که اکثریت زنان پوشش‌شونده تخصص پزشکی (۷۰ درصد) تعهد فروشنده (۲۲ درصد) و تعهد نامزد انتخاباتی (۶۱ درصد) را به عنوان نمونه‌ای از ملاک‌های انتخاب و مراجعه خود برگزیده‌اند. توجه و علاقه اکثر زنان ایرانی به داستان‌های جالب فیلم‌ها (۹۲ درصد) نیز نمونه دیگری است که علاقه‌مندان آن توجیهی و بی‌علاقگی آنان به جنسیت کارگردان و بازیگران آنها می‌باشد.

با وجودی که زنان ایرانی علاقه واقعی به مجلات اختصاصی زنان نشان می‌دهند اما با توجه به میزان علاقه ۷۰ درصدی آنان به دو مجله خانواده سبز و خانواده به نظر می‌رسد که علاقه آنان حول و حوش خانواده و مسائل آن می‌چرخد و انتظار ۷۳ درصد آنان برای ریاست مشترک زن و مرد بر خانواده و

فرزندان، حاکی از اهمیت خانواده برای زنان ایرانی است، علاوه اکثریت قریب به اطلاق آنان به مجلات داخلی و همچنین بی‌توجهی اکثریت ۹۷ درصدی آنان به اتبوع پایگاه‌های اطلاع‌رسانی خارجی و اینترنتی ویژه زنان، نشان دهنده استقلال آنان از خارج و اتکالی به خود می‌باشد.

۷۲ درصد زنان پرسش‌شونده هیچ‌گونه سابقه همکاری با گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی زنان نداشته‌اند و از میان ۲۸ درصد دارای سابقه همکاری، ۳۳ درصد ناراضی بوده‌اند. این موضوع درباره گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی زنان حادث‌تر است چراکه ۸۸ درصد آنان از اینگونه گروه‌ها و تشکل‌ها دوری گزیده‌اند و ۴۱ درصد فعالان گذشته، خود را ناراضی یافته‌اند. اینکه اکثریت ۵۴ درصدی زنان تمایلی به هیچ یک از احزاب و تشکل‌های مشهور اعم از احزاب ویژه زنان و غیره نشان نمی‌دهند، دلیلی دیگر بر این نکته می‌باشد و شاید بی‌تفاوتی زنان به سیاست و دریافت ۸۸ درصد آنان از تأثیر ۵۰ درصدی و زیر آن در سیاست، به خاطر این باشد که زنان نفع و ویژه‌ای از مشارکت و همکاری با این احزاب و گروه‌های سیاسی ندیده و نمی‌بینند. ۵۷ درصد زنان معتقدند که وظایف آنان در خانواده و اجتماع، سنگین‌تر از مرفان است درحالی که توفیق و نفع بیشتر، از آن مردان می‌شود و به زنان تعصیب کمتری می‌رسد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی

جدول ۳: انتقارات زنان ایرانی

		تعداد	درصد
مجلات مورد علاقه ویژه زنان	خانواده	۲۹	۱۸
	خانواده سبز	۸۴	۵۲
	زنان	۲	۱
	زن ایرانی	۱۰	۶
	زن روز	۷	۴
	سروش پاتون	۷	۴
	دیگر مجلات	۲۴	۱۵
استفاده از سایت‌های ایترنتی	بلی	۶	۳
	خبر	۲۰۵	۹۷
تأثیر نوحه سرایان	زن	۳۱	۱۶
	مهر	۱۵۲	۷۹
	فرهنگ ندارد	۱۰	۵
	زن	۴۱	۲۲
تأثیر مذبحه سرایان	مهر	۱۳۵	۷۳
	فرهنگ ندارد	۹	۵
	خبر	۱۴۸	۷۲
	بلی	۵۸	۲۸
سابقه همکاری با گروه‌های و تشکل‌های اجتماعی زنان	راضی	۳۹	۶۷
	ناراضی	۱۹	۳۳
	خبر	۱۶۷	۸۸
سابقه همکاری با گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی زنان	بلی	۲۲	۱۲
	راضی	۱۳	۵۹
	ناراضی	۹	۴۱
	خبر	۱۶۷	۸۸
هواداری از تشکل‌های سیاسی	جامعه روحانیت مبارز	۸	۵
	جمعیت زنان ایران	۳۲	۱۹

		تعداد	درصد
تمایل به اشتغال	دولتی	۱۴۸	۷۱
	غیردولتی	۴۲	۲۰
	خانه‌داری	۱۹	۹
صفات پزشک	زن	۱۹	۹
	مرد	۲	۱
	جوان	۲	۱
	مسن	۰	۰
	متخصص	۱۴۴	۷۰
	متعهد	۳۸	۱۹
صفات فروشنده	زن	۳۱	۱۵
	مرد	۵	۳
	جوان	۸	۴
	مسن	۲	۱
	متخصص	۶۷	۳۳
	متعهد	۱۹	۹
صفات نامزد های انتخاباتی	زن	۷	۴
	مرد	۶	۳
	پروفسور دانشگاه علوم انسانی اصفهان	۳	۱
	دانشجویان	۰	۰
	متخصص	۶۲	۳۱
	متعهد	۱۲۲	۶۱
لذت از فیلم با	کارگردان مرد	۷	۳
	کارگردان زن	۱۰	۵
	داستان جالب	۱۹۰	۹۲

	دامه	تعداد	درصد
سن	۱۸-۳۰	۱۶۷	۸۱
	۳۱-۵۰	۳۲	۱۶
	۵۱-۷۵	۶	۳
تحصیلات	زیر دیپلم	۱۴	۷
	دیپلم	۱۶	۹
	کارشناسی	۱۶۰	۷۹
وضعیت ازدواج	ارشد و بالاتر	۱۳	۶
	مجرد	۱۴۵	۷۹
	متاهل	۶۳	۳۱
میزان درآمد خانواده	کمتر از ۱۰۰۰۰۰ تومان	۱۲	۶
	۱۰۰۰۰۰-۳۰۰۰۰۰	۱۴۱	۷۱
	۳۰۰۰۰۰-۵۰۰۰۰۰	۲۴	۱۲
	بالاتر	۲۱	۱۱
وضعیت پوشش	حاجه	۹۹	۴۷
	حجاب اسلامی	۶۸	۳۳
	بد حجاب	۳۴	۱۶
	ناراضی	۹	۴

		تعداد	درصد
نایب‌رئی تبعیض آمیز است	بله	۱۳۵	۸۱
	خیر	۳۰	۱۹
کمک مردان لازم است	بله	۱۴۴	۹۱
	خیر	۱۴	۹
ریاست خانواده	بیشتر حق زن	۶	۸
	بیشتر حق مرد	۷	۹
	بطور مساوی حق هر دو	۶۲	۷۳
عالی‌ترین مقام	رهبری	۱۰۴	۶۲
	ریاست جمهوری	۱۶	۹
	فرماندهی نظامی	۰	۰
	فقاہت شورای نگہبان	۲	۱
	قضاوت	۲۴	۱۴
	مرجعیت تقلید	۱۱	۷
	نمایندگی مجلس	۹	۵
	وزارت	۳	۲

زنان ایرانی اکثرأ معتقدند که با وجود تفاوت‌ها و تبعیض‌هایی که در قوانین و عرف کشور وجود دارد، اما شرایط روحی و روانی آنان بیشتر از موارد دیگر باعث بهره‌مندی کمتر آنها شده است. زنان ایرانی با وجودی که به خوبی مقام‌ها و مناصب عالی را می‌شناسند، اما نه نظر می‌رسد که بر رعایتی آنان در احراز این مقام‌های عالی به ویژه در کمیته نظامی گزینی و فرماندهی نظامی، گواہ دیگری بر این شرایط روحی و روانی آنان باشد که با برخی از مشاغل از جمله نظامی‌گری، سازگاری نشان نمی‌دهد. اعتقاد ۸۰ درصد زنان پرسش‌شونده مبنی بر وجود نایب‌رئی و اعتقاد ۸۱ درصد آنان مبنی بر تبعیض آمیز بودن این نایب‌رئی، حاکی از ظالمانه بودن این تفاوت‌ها و در نتیجه توجیه‌ناپذیر بودن آنهاست که باید هرچه زودتر مرتفع گردد و شاید همین شرایط روحی و روانی موجب شده تا ۹۱

درصد آنان به کمک مرغان برای رفع این تفاوت و تبعیضی که ناشی از خوردن آنان است، نیازمند باشند. ناگفته نماند که ۷۹ درصد زنان، تنها از نوحه سراسی مردان به گریه می‌افتند و ۷۳ درصد آنان از مدیحه‌سرایان آنان به وجد و شادی و این گواه دیگری است بر علاقه و اتکای زنان ایرانی به مردانشان. علاوه بر اینکه زنان پرسش شونده نه تنها اتفاق نظری درباره سه تن از زنان مشهور و مورد علاقه خود نداشتند، بلکه زنان مورد نظر آنان از شخصیت‌های سیاسی، به شخصیت‌های هنری و علمی در تغییر بود.

نتیجه‌گیری

هیچ‌یک از گفتمان‌های فمینیستی زنان در جهان از انسجام و ثبات کافی برخوردار نبوده است. هر یک در طول زمان تغییر کرده است و هر چیزی در میان گروه‌های مختلف به گونه‌ای تفسیر و تعبیر شده است و همین بخود تألیفات مختلفی را بسته به طبقه اجتماعی، قومیت، محل اقامت و مذهب آنان داشته است. گفتمان‌های فمینیستی در ایران نیز هیچگاه به طور کامل با مبارزات زنان فمینیست در غرب برای کسب آزادی، معنوی و سوسیالیسم سازگار نبوده است. در غرب مبارزه مردم سرخ پوست و سیاه پوست، مهاجران، گروه‌های قومی و همچنین سفیدپوستان کاملاً رایج است. اما چنین مبارزه‌ای در جامعه ایرانی وجود ندارد. حتی آزادی که برای زنان که به معنی عرضه آزادانه بدن و فکر و پایان بخشیدن به سنت‌های عقب نگاه دارند زنان و قدرت بخشیدن به زنان برای انتخاب سبک زندگی خود باشد، برای بیشتر زنان ایرانی اساساً یک ضد ارزش به شمار می‌رود اما این بدین معنی نیست که نتوان زد حل مشترکی را برای حقوق طبیعی از دست رفته زنان به دست آورد.

موضوع زنان چیزی جز بخشی از موضوعات نوع بشر نیست و تنها یک رویکرد جامع می‌تواند به ما کمک کند تا ابعاد آن را توسعه و بهبود بخشیم.

افزایش دسترسی برابر و همگانی به آموزش و فرصت‌های اقتصادی براساس علاقه و شایستگی‌های فردی، تأمین و اداره برنامه‌های تربیتی برای مردان و زنان به منظور شناخت بیشتر، احترام به حقوق همه مردان، زنان و کودکان و حمایت از انجمن‌های آزاد، اظهار عقاید آشکار، بحث و انتقاد آشکار سیاست‌ها و عملکرد ارکان دولت می‌تواند کمک مهمی به این رویکرد باشد. مشارکت کامل و برابر زنان در همه عرصه‌های زندگی به ویژه سیاست، قطعاً امر پسندیده‌ای است ولی نباید اجباری در این کار صورت پذیرد بلکه زنان باید آزادانه و برطبق تمایل، صلاحیت و توانایی خود به فعالیت سیاسی روی آورند و امیدوار باشیم که روزی همه در تصمیم‌گیری در باب اهداف مشترک، مشارکت (جایه‌جایی) کامل و غیرانحصاری داشته باشند.

منابع و یادداشت‌ها:

ضمیمه ۱: پرسش‌نامه فعالیت و انتظارات زنان ایرانی

شغل سن تحصیلات ساکن شهر مجرد متأهل متازکه تعداد فرزندان

هنگامی که برای اولین‌بار صاحب فرزند می‌شوید یا از فرزند دوازدهم، کدام یک را ترجیح داده یا می‌دهید؟ پسر یا دختر؟
 آیا پدرتان در قید حیات است؟ پسر، خیر. آیا مادرتان در قید حیات است؟ پسر، خیر.

میزان درآمد خانواده: کمتر از ۱۰۰ هزار تومان ۱۰۰-۳۰۰ هزار تومان، بالاتر. ۳۰۰-۵۰۰ هزار تومان، بالاتر.

وضع پوشش: جادر مشکلی مانو، شلوار و مقنعه (مشکی) مانو، شلوار و روسری (رنگی)، موافق حجاب نیستم

تمایل به اشتغال در کدام یک را دارید؟ مشاغل دولتی، مشاغل غیردولتی، خانه‌داری

برای معالجه و درمان خود بیشتر به کدام صفت پزشک توجه می‌کنید؟ لطفاً فقط یکی را علامت بزنید.

زن بودن، مرد بودن، جوان بودن، مسن بودن، متخصص بودن، متعهد بودن.
برای خرید به چه صفات فروشنده بیشتر توجه می‌کنید؟ لطفاً فقط یکی را علامت بزنید.

زن بودن، مرد بودن، جوان بودن، مسن بودن، متخصص بودن، متعهد بودن.
لوحه سزایی کدام یک تأثیر بیشتری در شما می‌گذارد؟ زنان، مردان.
مدیحه سزایی کدام یک تأثیر بیشتری در شما می‌گذارد؟ زنان، مردان.

شدت علاقه خود به موسیقی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ روزانه ۱ ساعت، روزانه ۳ تا ۵ ساعت، روزانه ۵ تا ۱۰ ساعت.

آیا در گذشته با تشکل‌های اجتماعی و زنان همکاری داشته‌اید؟ خیر، بلی. اگر بلی آیا راضی بوده‌اید؟ بلی، خیر.

در حال حاضر عضو کدام یک از انجمن‌ها و تشکل‌های اجتماعی و زنان هستید؟ لطفاً نام ببرید.....

آیا در گذشته با تشکل‌های سیاسی و زنان همکاری داشته‌اید؟ خیر، بلی. اگر بلی آیا راضی بوده‌اید؟ بلی، خیر. *پرتال جامع علوم انسانی*

در حال حاضر عضو کدام یک از انجمن‌ها و تشکل‌های سیاسی و زنان هستید؟ لطفاً نام ببرید.....

به کدام یک از تشکل‌های سیاسی زیر علاقه دارید؟
جامعه روحانیت مبارز، جمعیت زنان ایران، جمعیت زنان جمهوری اسلامی، حزب مشارکت ایران اسلامی.

مجمع روحانیون مبارزه، نهضت آزادی ایران، غیره. لطفاً نام ببرید..... هیچ کدام.

در انتخاب نامزدهای انتخاباتی بیشتر به چه صفاتی توجه می‌کنید؟ لطفاً فقط یکی را علامت بزنید.

زن بودن، مرد بودن، جوان بودن، حسن بودن، متخصص بودن، متعهد بودن. به نظر شما مشارکت سیاسی زنان در حال حاضر تا چه اندازه در سیاست کلی کشور تأثیرگذار است؟

۱۰۰٪، ۹۰٪، ۵۰٪، ۱۰٪، هیچ.

به نظر شما وظایف اجتماعی کدام یک سنگین‌تر است؟ زنان، مردان.

به نظر شما کدام یک در زندگی به طور کلی موفق‌ترند؟ زنان، مردان.

در این صورت به نظر شما کدام یک از موارد زیر عامل موفقیت آنها بوده است؟

قوانین عرفی جامعه، شرایط جسمانی، شرایط روحی و روانی.

به نظر شما آیا حقوق زنان با مردان برابر است؟ بلی، خیر.

اگر خیر، آیا این نابرابری به نظر شما تبعیض آمیز است؟ بلی، خیر.

در صورت تبعیض آمیز بودن، خواهش می‌کنم در کدام یک از حقوق زیر هستید؟

احترام و منزلت اجتماعی، توان و امکانات نظامی، ثروت و حقوق اقتصادی،

مقام و نفوذ سیاسی، نگه‌داری و پرورش فرزندان، همه.

در صورت وجود نابرابری یا تبعیض، به نظر شما آیا کمک مردان برای رفع این

موارد لازم است؟ بلی، خیر.

به نظر شما ریاست خانواده حق کیست؟ در بیشتر موارد حق زن است، در بیشتر

موارد حق مرد است، در همه موارد حق هر دو به طور مساوی.

از کدام فیلم بیشتر لذت می‌برید؟ لطفاً از ۱ تا ۳ شماره‌گذاری کنید. کارگردان آن

مرد باشد، کارگردان آن زن باشد، داستان فیلم جالب باشد.

کدام یک از مجلات ویژه زنان را مطالعه می‌کنید؟ لطفاً فقط یکی را علامت بزنید.

پلیس زنان، خانواده، خانواده سبز، زنان، زن ایرانی، زن روز، سروش بانوان، غیره.....

از کدامی یک از سایت‌های اینترنتی زنان استفاده می‌کنید؟ لطفاً نام ببرید.....
به نظر شما ارزشمندترین مقام کدام است؟ لطفاً فقط یکی را علامت بزنید.

رهبری، ریاست جمهوری، فرماندهی نظامی، فقامت شورای نگهبان، قضات، مرجعیت تقلید، نمایندگی، وزارت و غیره.....

لطفاً یکی از حقوق فراموش شده یا از دست رفته خود را نام ببرید.

لطفاً سه نفر از زنان سرشناس و مورد علاقه خود را با ذکر سمت نام ببرید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پس نوشت ها

1. Barbara Arneil, (1999). *Politics & Feminism*, Oxford, Blackwell Publishers, pp. 3-4.
2. Mary K. Meyer and Elisabeth Prugl, (1999), *Gender Politics in Global Governance*, Oxford, Rowman & Littlefield Publishers, p. 3.
3. For a brief survey of "post-modern political orientations," see Rosenau, Pauline Marie, (1992). *Post-Modernism and the Social Sciences: Insights, Intrusions, and Invasions*. Princeton, N.J.: Princeton University Press. pp. 138-166.
4. Corrin Chris, (1999), *Feminist Perspectives on Politics*, London, Longman, P. 1.
5. See Tohid Nayerreh, (1994), *Modernity, Islamization, and Women in Iran Gender and National Identity: Women and Politics in Muslim Societies*. Ed. Meghadam Valentine M., London: Zed Books. pp. 141-142.
6. Mojab shahzad, (2001). "The Politics of Theorizing Islamic Feminism: Implications for International Feminist Movement" July> <http://w/umil.org/english/>
7. Bahramitash, Roxsana, (2003). Revolution, Islamization, and Women's Employment in Iran, *The Brown Journal of World Affairs, Winter/Spring-Volume IX, Issue 2, p. 238*.
8. Navazeni Bahram, (2004), "Religious Democracy: A Modernized Shape of

Iranian Government" Presented at the 3rd International Conference on Hierarchy and power in the History of Civilizations, Moscow, June.

9. Ibrahim Sa'ad Eddin, (1980), "Anatomy of Egypt's Militant Islamic Groups", *International Journal of Middle East Studies*, vol. 12, No. 4, pp. 423-453;

Moghadam Valentine M., (1993), *Modernizing Women: Gender and Social Change in the Middle East*, Boulder pp. 207-247.

10. Mernissi Fatima, (1989), *Doing Daily Battle: Interview with Moroccan Women*, New Jersey, pp. 3-4.

11. See Mary Martin E. and Appleby Scott R., eds., (1991), *The Fundamentalism Project: Fundamentalisms Observed, Vol. I, Chicago, pp. IX-X*. Bernard Lewis prefers the term "fundamentalism" because use of the terms

"Islamicist" to identify such movements implies that "this is what the Islamic religion and civilization is about". See "Unentretien avec Bernard Lewis", *Le Monde*, 16 November 1993; see also Munsam Henry, Jr., (1986), *Islam and Revolution in the Middle East*, New Haven pp. 3-4.

12. In Sa'id view, by constructing relative notions of "terrorism" and "fundamentalism", the West has attempted to claim for itself "moderation, rationality" and a specific Western ethos. See Sa'id Edward, (1993), *Culture and imperialism*, New York p. 375-7. See also John Esposito, (1993), "Secular Bias and Islamic Rivalism", *Chronicle of Higher Education*, May, p. 44. Have used the terms "fundamentalism" and "Islamist" for the conservative movements, but not the term "Islamic", leaving space for other more democratic interpretations of Islam to be discussed later.

13. Mernissi Fatima, (1992), *Islam and Democracy: Fear of the Modern World*, Wokingham, p. 165.

14. Ahmed Leila, (1992), *Women and Gender in Islam: Historical Roots of a Modern Debate*, New Haven, pp. 222-223.

15. Najmahadi Akhanch, (2001). (Un)Veiling Feminism, July>
<http://wlumi.org/english/>

16. Hardacre Helen, "The Impact of Fundamentalisms on Women, the Family, and Interpersonal Relations", *The Fundamentalism Project*, pp. 129-150.

17. The two essays by Hegland and Friedl appear in Kiddle N. and Baron B., eds, (1991). *Women in Middle Eastern History*. New Haven: kandyoti D., (1988), "Bargaining with Patriarchy", *Gender and Society*, vol. 2, No.3, pp. 274-90; Ong Aihwa, (1990), "State Versus Islam: Malay Families, Women's Bodies, and the Body Politic Malaysia", *American Ethnologist*, vol. 17, No.2, May, p. 269.

18. Afary Janet, (1999). *The War Against Feminism in the Name of the Almighty: Making Sense of Gender and Muslim Fundamentalism*. February>
<http://wlumi.org/english>

19. <http://www.womeniniran.org/archives/FN/000901.php>

20. Zahra Shojaei, (2004). http://women.moe.org.ir/news/shownews.php?news_id=132.

21. Najmahadi, op. cit.

22. Abbasgholzadeh Mahboubeh, (2004). *Iran Identity, women an Islam: Iran's case*, a presentation from the Asia Pacific NGO Forum of Beijing, 27 July.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی